

مشارکت و توسعه: برخی عوامل اجتماعی – فردی مرتبط با مشارکت شهروندان تبریز

محمود علمی^۱

چکیده

توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن، یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه می باشد. هدف این بررسی تعیین برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مشارکت شهروندان شهر تبریز بود. روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری، کلیه شهروندان در سنین ۴۵-۱۵ ساکن در نقاط شهری تبریز اعم از زن و مرد به تعداد ۸۲۰۰۰ نفر و حجم نمونه ۶۸۰ نفر بود که در سه گروه سنی تعیین و انتخاب شدند. در این پژوهش، متغیرهای مستقل (پیش بین) دسترسی به رسانه‌های ارتباط جمعی، بیگانگی اجتماعی، سن، جنس و پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان با متغیر وابسته (ملاک) یعنی مشارکت رابطه معنی داری داشتند. با توجه به پایین بودن میزان مشارکت شهروندان می توان گفت این وضعیت ناشی از موانع ساختاری در نظام اجتماعی و فرهنگی ایران است. پیوند افراد با جامعه و برقراری رابطه با آن و گسستگی آنها از جامعه، همه به محیط اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار گرفته اند، برمیگردد. آنچه کنش ها را هدایت می کند عادت ها و الگوهای رفتاری است که در جامعه، نهادهای مختلف و در افراد ایجاد می شود.

واژگان کلیدی: مشارکت، رسانه‌های ارتباطی جمعی، بیگانگی اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، توسعه.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۲۸

^۱ استادیار جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (Email: elmim@iaut.ac.ir)

مقدمه

مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ غایتی به آزاد سازی و اعتماد به خویشتن انسان و از نظر ابزاری به بسیج و نقش آفرینی توده‌های انسانی در فرایندهای عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود. اگر امروزه دانشمندان اجتماعی به مباحثی نظیر توسعه‌یافتگی، عدالت و حقوق متقابل می‌پردازند، یکی از مهمترین ملاکهای این گونه تقسیم بندی و درجه‌بندی‌ها وجود «مشارکت» است (روشن، ۱۳۸۶: ۴). با توجه به اهمیت مشارکت شهروندان در فرایند توسعه و وقوف به این واقعیت که مشارکت نوعی کنش متقابل است که به نوعی تشکیل‌دهنده بنیاد زندگی اجتماعی است و زندگی اجتماعی بر بنیاد مشارکت شکل گرفته و جامعه انسانی خالی از مشارکت نیست. مشارکت، با نشاطی که به جامعه ارزانی می‌کند، کیفیت زندگی اجتماعی را افزایش می‌دهد و یک سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و از این طریق سطح توسعه را ارتقا می‌دهد. هدف توسعه، داشتن جامعه‌ای سالم است که در این میان نقش مشارکت مردم در فرآیند توسعه قابل توجه است. بدون شک توسعه اجتماعی مستلزم مشارکت مردم در ابعاد مختلف است و در واقع بدون مشارکت نمی‌توان به توسعه اجتماعی مردم محور، فراگیر و پایداری دست یافت. در فرایند توسعه اجتماعی، مشارکت آحاد جامعه مدنظر است و شهروندان قطع نظر از تعلقات قومی و علایق اعتقادی شان، امکان می‌یابند تا با توجه به صلاحیت و توانمندی ذهنی شان، در تمام پدیده‌ها و متغیرها اثر گذار باشند. توسعه در بسیاری از موارد حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال هست که در شهر تبریز مشارکت شهروندان تا چه حد شکل گرفته است و این مشارکت با کدام عوامل اجتماعی و فرهنگی رابطه دارد؟ هدف این بررسی، تعیین میزان مشارکت شهروندان شهر تبریز و برخی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان شهر تبریز در جهت تحقق توسعه می‌باشد.

مبانی نظری

مشارکت یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه است. عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. انسان‌ها باید به عنوان آفرینش‌گران فعال در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه واقعی باید حاصل رفتارهای خلاق عاملین انسانی توسعه باشد. مردم باید به طور دائمی و در جریان برنامه ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه مشارکت داشته باشند. مفهوم مشارکت، به‌ویژه از دهه هفتاد میلادی به بعد به عنوان یک موضوع مهم و کلیدی جای خود را در علوم اجتماعی و سیاسی باز کرد، البته دامنه آن در فلسفه‌های سیاسی نیز تجلی یافت. این معنا، چنان مهم است که در بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر چون همیاری، تعاون، هم‌اندیشی، همراهی و مددکاری اشتراک مساعی نیز جایگاهی خاص دارد. مشارکت می‌تواند دارای لایه‌های مختلفی از قبیل مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها، مشارکت در عمل و اجرا و مشارکت در سطح نظارت باشد. فرآیند توسعه یافتگی جز در سایه مشارکت در مسائل اجتماعی حاصل نمی‌شود، زیرا از مقدمات مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری است. آینده یک جامعه در گرو مسئولیت‌پذیری مردمان آن جامعه در زمان حال است. رسیدن به توسعه‌ای پایدار، در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منوط و مشروط است به مشارکت و محور قرار دادن انسان‌های مشارکت‌جو، یعنی انسان‌هایی که برای خود سهمی در مسائل اجتماعی قائل هستند و با فعالیت‌های آگاهانه و آزادانه خود می‌کوشند حیات اجتماعی خود را شکل داده و در آن سهیم باشند. بین مشارکت اجتماعی و توسعه یافتگی ارتباط دو سویه برقرار است. بدین معنا که هر چه مشارکت بالاتر رود توسعه یافتگی بیشتر می‌شود و هر چه توسعه یافتگی بیشتر شود، مشارکت افزایش می‌یابد. مشارکت در درجه نخست از طبع اجتماعی انسان و منافع فراوان حاصل از این کارکرد، ریشه می‌گیرد. مشارکت اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. مشارکت اجتماعی، کارکردهای اجتماعی چون ایجاد نشاط و شادابی، پراکندن روحیه عشق به سرزمین، بالا بردن سطح امید به زندگی، افزایش حس تعهد و مسئولیت‌شناسی نسبت به جامعه و ایجاد تمایل هر چه بیشتر به فرهنگ خودی داشته باشد. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر ترکیبی از آراء و نظریه‌ها است. اینگلههارت (Engelhart)، افزایش مشارکت در مغرب زمین

را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی مورد تاکید قرار داده است به نظر وی متغیرهای تحصیلات، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی و شبکه‌های سازمانی بر افزایش مشارکت تأثیر داشته‌اند. به نظر او کلی و مارسدن در جایی که مشارکت برابر با نوعی آگاهی دادن است و تصمیم‌های اساسی مربوط به توسعه قبلاً اتخاذ شده است مشارکت نمی‌تواند از حیثه مسئولیت و کنترل دولت جدا باشد. لرنر، مشارکت اجتماعی را یکی از مولفه‌های نوسازی و مدرن شدن جوامع می‌داند و به آمادگی ذهنی و متغیرهای روانی برای رسیدن به نوسازی تأکید دارد. هانتینگتون معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگرا می‌باشد. از نظر وی انسان سنتی، همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد، ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی روبرو است. او امکان هر تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آنها وفق می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۴). آلموند و پاول بر نقش خوداتکائی افراد در نوگرایی و مشارکت شهروندان تاکید نموده‌اند. از نظر آنها انسان نوگرا، شهروند مطلع و مشارکت‌کننده‌ای است که علاوه بر اعتماد بر خود در مورد تصمیم‌گیری‌های زندگی مستقل عمل می‌کند و پذیرای ایده‌ها و افکار جدید می‌باشد، مشارکت شهروندان مبین نحوه بهره‌برداری شهروندان واجد نگرش‌های مشارکتی مختلف از فرصتهایی است که نهادها و موضوعات در اختیار آنها قرار می‌دهند (آلموند، ج و بی‌جی پاول، ۱۳۸۰). هابرماس فضایی را که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد را حوزه عمومی می‌نامد. حوزه عمومی عرصه و قلمرویی از حیات اجتماعی انسان‌هاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. حوزه عمومی یکی از مقوله‌های جهان مدرن یعنی جامعه بورژوازی می‌باشد. او استدلال می‌کند که حوزه عمومی اساساً شبکه‌ای از ارتباطات است که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی جهت مبادله معانی بین افراد و گروه‌ها از کنش ارتباطی استفاده می‌کنند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد (هولاب، ۱۳۷۸: ۲۶). بر مبنای نظریه مبادله، انسان‌ها موجوداتی حسابگر هستند که هزینه‌ها و منافع خود را در اشکال مادی و غیرمادی محاسبه می‌نمایند و سپس دست به اقدام و کنش می‌زنند. این نظریه هر چند که در سطح کنش‌های منحصربه‌فرد باقی نمی‌ماند و به سمت کنش‌های جمعی حرکت می‌کند، لیکن کنش‌های جمعی را محصول عمل مجموعه افراد تلقی می‌نماید. افراد همه کارها را براساس فایده و رضایت استدلال می‌کنند و آن را مبنای اختیار عمل مشارکتی یا غیرمشارکتی قرار می‌دهند. افراد در صورتی به سوی اقدامات مشارکتی گرایش نشان می‌دهند که بپذیرند در شرایط جمعی و مشارکتی امکان دستیابی به فایده سریع و تسهیل خواهد شد؛ در غیر این صورت، ترجیح خواهند داد که همواره به شکل انفرادی عمل نمایند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۱). براساس نظریه پارسونز هر گاه در موقعیت‌های اجتماعی، کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد، اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران، جامعه و مشارکت به حد اعلای خود می‌رسد. مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی از بین بردن فرهنگ حاشیه نشینی و شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های دموکراتیک، سهمین شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت پذیری همراه است.

پیشینه تجربی

پژوهشی باهدف بررسی درجه عضویت شهر تهران در مجموعه مشارکت اجتماعی با استفاده از مفاهیم مرتبط با مجموعه‌های فازی انجام داده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی شروط علی لازم برای مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی بوده است. همچنین اعتماد اجتماعی ۹۴،۰ درصد و همبستگی اجتماعی ۹۴،۰ درصد از فضای مشارکت اجتماعی شهر تهران را پوشش داده است که پوشش بیشتر اعتماد اجتماعی نشان از اهمیت بیشتر این متغیر در عضویت شهر تهران در مجموعه مشارکت اجتماعی دارد. (برغمندی و عبدالمهدی، ۱۳۹۸) با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق یزدان پناه، میزان مشارکت اجتماعی

رسمی یعنی مشارکت داوطلبانه در سازمانهای غیردولتی در میان شهروندان تهرانی مورد بررسی، در مجموع کم و بیشتر مشارکت ها در زمینه فعالیت های اجتماعی غیررسمی مثل کمک به فقرا، شرکت در هیأت ها بوده است. این بررسی نشان داده است که افراد مورد بررسی نابسامانی فردی و بی قدرتی را تجربه کرده و موانع زیادی را بر سر راه مشارکت اجتماعی دیده اند. براساس نتایج بدست آمده، هر چه میزان بی قدرتی، بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد میزان مشارکت اجتماعی، یعنی مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و هدفمند افراد در جامعه کمتر میشود و همچنین وجود موانع، مخصوصاً موانع خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و ارزیابی از این موانع از طرف افراد بر میزان مشارکت اجتماعی اثرگذار بوده است (یزدان پناه، ۱۳۸۶). غفاری گیلانده و هاشمی معصوم آباد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی میزان حس تعلق محله ای با افزایش مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه محله ای (مطالعه موردی: محله پیرمادر، اردبیل)» ارتباط معنادار بین افزایش میزان حس تعلق محله ای با میزان آمادگی برای مشارکت در طرحهای توسعه محله ای را نشان داده اند. نتایج تحقیقی در بین شهروندان منطقه ۹ تهران حاکی از آن بوده است که بین احساس بی قدرتی و مشارکت شهروندان رابطه وجود داشته، بین میزان فایده مندی و تمایل مردم به مشارکت با شهرداری رابطه وجود نداشته است. همچنین بین میزان آگاهی مردم از فعالیت های شهرداری و مشارکت با شهرداری رابطه وجود داشته، بین اعتماد مردم به شهرداری و مشارکت با شهرداری نیز رابطه وجود داشته است. از دیگر نتایج این تحقیق می توان به وجود رابطه بین میزان تحصیلات و جنسیت با تمایل مردم به مشارکت نام برد (روشن، ۱۳۸۶). یافته های تحقیق سلحشور در بین جوانان مناطقی از تهران نشان داده است که میزان مشارکت اجتماعی جوانان در حد بین کم و متوسط بوده است. مشارکت زنان از نظر فراوانی بیشتر از مردان، ولی از نظر شدت مشارکت زنان در حد کم بوده است در حالیکه شدت مشارکت مردان بیشتر از زنان بوده است. براساس تحلیل های آماری تحقیق بین متغیرهای احساس تعلق و دلبستگی اجتماعی، رضایت اجتماعی، استفاده از رسانه های جمعی، اعتماد اجتماعی، سن، پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی همبستگی مستقیم و معناداری وجود داشته است. متغیرهای نابسامانی و از خود بیگانگی با مشارکت اجتماعی رابطه معکوس معناداری داشته است. همچنین بین متغیرهای عام گرایی، جنسیت و خردورزی با مشارکت اجتماعی رابطه بسیار ضعیف وجود داشته است (سلحشور، ۱۳۸۵). نتایج تحقیق علی پور و همکاران در مناطقی از تهران نشان داده است که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان یافته رابطه معناداری وجود داشته است هر چند که میزان و جهت تأثیرگذاری این رابطه در هر مورد متفاوت بوده است. همچنین ضرایب رگرسیون چند متغیر نشان داده است که از میان متغیرهای مورد بررسی اعتماد تعمیم یافته و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بهترین پیش بینی کننده ها برای مشارکت اجتماعی بودند (علی پور، زاهدی و شیان، ۱۳۸۸). بطور کلی، امروزه فرایند توسعه و بالاجه توسعه پایدار، مهمترین دغدغه و نگرانی مسئولان اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه قلمداد می گردد. این امر نیز به نوبه خود مستلزم به کارگیری استعدادها و توانمندی های انسانی از یک سو و مشارکت فعالانه و مستمر افراد جامعه در مراحل مختلف توسعه از سوی دیگر است. از این منظر واژه مشارکت با طرح مقوله توسعه از دهه ۱۹۴۰ میلادی و با ضرورت رشد مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی مطرح و از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه های اقتصادی دنبال و بالاخره با شکل گیری واژه توسعه پایدار در دهه ۱۹۷۰ میلادی مفهومی وسیعی به خود گرفت، به طوری که در توسعه از نوع اخیر (توسعه پایدار)، مشارکت را وسیله توسعه به شمار آورده اند؛ به گونه ای که از آن به عنوان حلقه گمشده فرایند توسعه یاد می کنند (کائوتری، ۱۳۷۹ و غفاری و نیازی، ۱۳۸۶).

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین میزان تمایل به همکاری گروهی و میزان مشارکت شهروندان تبریز رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان تبریز رابطه وجود دارد.
- ۳- میزان مشارکت شهروندان تبریز بر حسب جنسیت آنان متفاوت است.

۴- میزان مشارکت شهروندان تبریز بر حسب تحصیلات آنان متفاوت است.

۵- بین میزان دسترسی شهروندان تبریز به رسانه‌های ارتباطی جمعی و مشارکت آنان رابطه وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

مشارکت

فرهنگ وبستر، مشارکت را شرکت دادن افراد در واقعیات زندگی روزمره زندگی و یا تقسیم کردن فعالیت‌ها در بین افراد با توافق خودشان تعریف نموده است (Webster, 1981: 1946).

تمایل به فعالیت گروهی و جمعی

تمایل به فعالیت گروهی و جمعی بیانگر روحیه همکاری، انگیزه کار گروهی و جمعی در بین افراد و برخوردار بودن از خصلت‌هایی چون دیگرخواهی، خیرخواهی و مشارکت جویی در فرد می‌باشد (از کیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۶۰).

بیگانگی اجتماعی

در نظر مارکس انفصال و جدایی انسان از خود، از کار و تولیدات خویش، از هم نوع و از جامعه و طبیعت است. (Robert)، به نقل از یزدان پناه، ۱۳۸۶).

پایگاه اجتماعی- اقتصادی

پایگاه اجتماعی- اقتصادی عبارتست از جایگاه منزلتی و توانمندی اقتصادی گروهی از افراد در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی (میلر، ۱۳۸۴: ۳۹۴).

دسترسی به رسانه‌های ارتباط جمعی

وسایلی است که از طریق آن ارتباط حاصل می‌شود. کازنو وسایل ارتباط جمعی را چنین تعریف می‌کند: «عبارت از آن وسیله ارتباطی است که مورد توجه جماعت کثیری می‌باشد» (کازنو، ۱۳۷۰: ۴). در این مطالعه، میزان استفاده و مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی جامعه مورد اندازه گیری قرار گرفته است.

اندازه‌گیری متغیر وابسته

برای اندازه‌گیری مشارکت شهروندان که متغیر وابسته می‌باشد از ۸ گویه به شرح زیر استفاده شد. میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۷۰ است.

نام متغیر	گویه‌ها	ضریب پایایی
مشارکت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - در یک سال گذشته، آیا در فعالیت‌های زیر شرکت داشته‌اید؟ - همکاری با شهرداری مانند حفظ و نگهداری فضای سبز - برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند و یا کمک به فقرا - شرکت در هیأت‌های مذهبی، سفره‌های نذر، جلسات یا جشن‌های مذهبی - همکاری با همسایگان در مراسم عزاداری - قبول مسئولیت برای امور عمومی محل زندگی - همکاری با همسایگان و یا مدیریت مجتمع مسکونی (یا محله) در امور عمومی و بهداشت محیط - همکاری با انجمن‌های حمایتی مثل حمایت از حقوق سالمندان، کودکان و زنان آسیب‌دیده - همکاری با سازمان‌های فرهنگی- هنری، خیریه، اولیا و مربیان مدرسه 	۰/۷۰۷

اندازه‌گیری متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر تمایل به فعالیت‌های گروهی

برای اندازه‌گیری تمایل به فعالیت‌های گروهی که متغیر مستقل می‌باشد از ۴ گویه به شرح زیر استفاده گردید. میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۶۱ است.

نام متغیر	گویه‌ها	ضریب پایایی
تمایل به فعالیت گروهی	<ul style="list-style-type: none"> - کار شراکتی و جمعی کمتر به نتیجه می‌رسد و به گرفتاری‌های آن نمی‌ارزد. - جمع شدن اهالی شهر برای حل مشکلات‌شان چندان موثر نیست. - تصمیمات گروهی و جمعی بهتر از تصمیمات فردی است. - فعالیت‌های جمعی و گروهی، موفقیت‌شان از فعالیت‌های انفرادی بیشتر است. 	۰/۶۱۲۲

متغیر بیگانگی اجتماعی

برای اندازه‌گیری بیگانگی اجتماعی که متغیر مستقل می‌باشد از ۴ گویه به شرح زیر استفاده شد. میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۶۶ است.

نام متغیر	گویه‌ها	ضریب پایایی
بیگانگی اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - گفتن مشکلات و گرفتاری‌های جامعه به مسئولان اثربخش نیست. - این روزها دیگر نمی‌توان به کسی اتکا کرد. - با این وضعی که وجود دارد آینده روشنی پیش رو نداریم. - وضعیت مردم عادی روزه روزه بدتر می‌شود. 	۰/۶۶۴۸

متغیر دسترسی به رسانه‌های ارتباطی جمعی

برای اندازه‌گیری میزان مصرف رسانه‌های ارتباطی جمعی که متغیر مستقل می‌باشد از ۵ سوال به شرح زیر استفاده گردید. میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۶۲ است

نام متغیر	سوال‌ها	ضریب پایایی
میزان مصرف رسانه‌های ارتباطی جمعی	<ul style="list-style-type: none"> - تلویزیون - رادیو - مطبوعات - اینترنت - سینما 	۰/۶۲۹۰

متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی

برای اندازه‌گیری پایگاه اقتصادی- اجتماعی که متغیر مستقل می‌باشد از ۳ سوال به شرح زیر استفاده شد.

نام متغیر	سوال‌ها
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - میزان تحصیلات - منزلت شغلی - میزان درآمد

روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری، کلیه شهروندان در سنین ۴۵-۱۵ ساکن در نقاط شهری تبریز اعم از زن و مرد که حدود ۸۲۰۰۰۰ نفر بودند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۶۸۰ نفر برآورد گردید. به منظور سنجش اعتبار (Validity) از اعتبار صوری (Face validity) استفاده شد و برای سنجش پایایی (Reliability) نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید که از مقدار آلفای بالایی برخوردار بودند.

توصیف یافته‌ها

از ۶۸۰ نمونه آماری در تحقیق حاضر، ۳۳۷ نفر شهروند مرد و ۳۴۳ نفر زن یعنی ۴۹/۶ درصد مرد و ۵۰/۴ درصد زن، افراد نمونه آماری را تشکیل داده‌اند. میانگین مشارکت در بین شهروندان مورد مطالعه برابر ۴۲/۲ با انحراف معیار ۱۹/۷۷ می‌باشد که این میزان از مشارکت در سطح پایینی قرار دارد. متوسط میزان بیگانگی اجتماعی شهروندان مورد مطالعه برابر ۷۰/۱۶ و انحراف معیار آن برابر ۱۹/۵۷ است. متوسط میزان تمایل به همکاری گروهی در بین شهروندان مورد مطالعه برابر ۷۷/۹۲ و انحراف معیار ۱۵/۴۴ است.

آزمون فرضیه ها

برای آزمون رابطه بین متغیرهای استفاده از رسانه‌های جمعی، تمایل به همکاری گروهی، بیگانگی اجتماعی و مشارکت شهروندان با توجه به مقیاس اندازه گیری متغیرها، از آزمون ۲ پیرسون استفاده شد. نتایج حاصله از اجرای این آزمون ها در جدول زیر آمده است:

جدول (۱): آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مستقل	مشارکت شهروندان	متغیر مستقل	مشارکت شهروندان	متغیر مستقل	مشارکت شهروندان
N = ۶۸۰ r = ۰/۰۲۶ sig = ۰/۵۰۷	بیگانگی اجتماعی ۰/۰۱ دو دامنه	N = ۶۸۰ r = ۰/۰۰۶ sig = ۰/۸۸۱	تمایل به همکاری گروهی ۰/۰۱ دو دامنه	N = ۶۸۰ r = ۰/۱۴ sig = ۰/۰۰۰	استفاده از رسانه‌های جمعی ۰/۰۱ دو دامنه

برای آزمون تفاوت بین جنسیت و مشارکت شهروندان از T- Test استفاده گردید. نتیجه آزمون در جدول ۲ نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین مشارکت شهروندان مرد و زن وجود دارد و مشارکت زنان بیش از مشارکت مردان می باشد.

جدول (۲): آزمون T

جنسیت	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مرد	۳۳۷	۳۸/۴۹	۱۸/۶۸	۱/۰۱۷	
زن	۳۴۳	۴۵/۸۴	۲۰/۱۵	۱/۰۸۸	
F	سطح معنی داری	T	درجه آزادی	سطح معنی داری	
۲/۳۹۴	۰/۱۲۲	-۴/۹۳۴	۶۷۸	۰/۰۰۰	
		-۴/۹۳۸	۶۷۵/۷۳۵	۰/۰۰۰	

برای آزمون تفاوت بین وضعیت شغلی و مشارکت شهروندان نیز از T- Test استفاده گردید. نتیجه آزمون در جدول ۳ نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین مشارکت شهروندان شاغل و غیر شاغل وجود ندارد.

جدول (۳): آزمون T

وضعیت شغلی	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
شاغل	۳۷۴	۳۹/۸۹	۱۹/۹۶	۱/۰۳۲	
غیر شاغل	۳۰۶	۴۵/۰۱	۱۹/۱۷	۱/۰۹۶	
F	سطح معنی داری	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	
۱/۷۲۷	۰/۱۸۹	-۳/۳۸۷	۶۷۸	۰/۰۰۱	
		-۳/۴۰۰	۶۶۰/۸۶۸	۰/۰۰۱	

به منظور سنجش رابطه سطح تحصیلات و مشارکت شهروندان از آزمون آنالیز واریانس استفاده گردید. نتایج توصیف در جدول ۴ و آزمون در جدول ۵ نشان داد که رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود نداشت، به عبارت دیگر، تفاوت سطح تحصیلات شهروندان نقشی در افزایش یا کاهش مشارکت آنان نداشت.

جدول (۴): آماره‌های توصیفی متغیرهای سطح تحصیلات و مشارکت شهروندان

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
بیسواد	۶۲	۴۱/۱۳	۱۵/۹۰	۱۲/۵۰	۷۰/۸۳
خواندن و نوشتن	۷۰	۴۲/۴۴	۱۸/۴۵	۱۲/۵۰	۸۷/۵۰
ابتدایی	۷۷	۴۷/۷۸	۱۹/۶۰	۸/۳۳	۸۳/۳۳
راهنمایی	۱۰۴	۴۲/۹۵	۱۸/۵۷	۰	۷۹/۱۷
متوسطه	۷۹	۴۳/۴۱	۲۰/۷۰	۰	۸۷/۵۰

دیلم	۹۴	۴۰/۹۶	۲۱/۳۰	۰	۸۷/۵۰
عالی	۱۷۷	۴۰/۱۱	۲۰/۹۸	۴/۱۷	۹۵/۸۳
کل	۶۶۳	۴۲/۳۰	۱۹/۸۳	۰	۹۵/۸۳

جدول (۵): آزمون آنالیز واریانس یک طرفه مشارکت شهروندان به تفکیک سطح تحصیلات

مشارکت شهروندان	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی دار
مشارکت شهروندان	۳۵۵۶/۵۳۰	۶	۵۹۲/۷۵۵	۱/۵۱۴	۰/۱۷۱
	۲۵۶۷۸۳/۹۸۹	۶۵۶	۳۹۱/۴۳۹		
	۲۶۰۳۴۰/۵۱۹	۶۶۲			

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر مشارکت و گروه سنی، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان داد که بین گروه‌های سنی شهروندان و مشارکت آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۶): آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مشارکت به تفکیک گروه‌های سنی شهروندان

مشارکت شهروندان	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی دار
مشارکت شهروندان	۷۳۱۹/۵۹۹	۲	۳۶۵۹/۷۹۹	۹/۶۵۷	۰/۰۰۰
	۲۴۴۶۶۵/۵۸۶	۶۷۲	۳۷۸/۹۶۷		
	۲۶۱۹۸۵/۱۸۵	۶۷۴			

با توجه به معنی دار بودن آزمون F، برای پیگیری تفاوت‌های معنی دار در تجزیه و تحلیل‌های چند گروهی، از آزمون تعقیبی LSD استفاده گردید. نتیجه این آزمون در جدول ۷ نشان داد که بیشترین تفاوت میانگین‌ها را گروه سنی ۱۵-۲۵ ساله با سایر گروه‌های سنی دارد و آن هم بخاطر میانگین پایینی است که نسبت به سایر گروه‌های سنی در مشارکت بدست آمده است.

جدول (۷): آزمون LSD مشارکت شهروندان به تفکیک گروه‌های سنی

گروه سنی	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار	سطح معنی داری	سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین ترین سطح	بالا ترین سطح
۱۵-۲۵ سال	-۷/۴۸۱۵	۱/۸۳۵۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۱۱/۰۸۵۲	-۳/۸۷۷۷
۲۶-۳۵ سال	-۶/۳۵۱۹	۱/۸۳۵۳۷	۰/۰۰۱	-۹/۹۵۵۶	-۲/۷۴۸۱
۳۶-۴۵ سال					
۱۵-۲۵ سال	۷/۴۸۱۵	۱/۸۳۵۳۷	۰/۰۰۰	۳/۸۷۷۷	۱۱/۰۸۵۲
۲۶-۳۵ سال	۱/۱۲۹۶	۱/۸۳۵۳۷	۰/۵۳۸	-۲/۴۷۴۱	۴/۷۳۳۴
۳۶-۴۵ سال					
۱۵-۲۵ سال	۶/۴۵۱۹	۱/۸۳۵۳۷	۰/۰۰۱	۲/۷۴۸۱	۹/۹۵۵۶
۲۶-۳۵ سال	-۱/۱۲۹۶	۱/۸۳۵۳۷	۰/۵۳۸	-۴/۷۳۳۴	۲/۴۷۴۱
۳۶-۴۵ سال					

جدول (۸): آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مشارکت به تفکیک پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان

مشارکت شهروندان	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی دار
مشارکت شهروندان	۴۳۷۵/۶۱۱	۲	۲۱۸۷/۸۰۵	۵/۴۵۳	۰/۰۰۴
	۲۵۱۵۵۴/۸	۶۲۷	۴۰۱/۲۰۴		
	۲۵۵۹۳۰/۴	۶۲۹			

با توجه به معنی دار بودن آزمون F، برای پیگیری تفاوت‌های معنی دار در تجزیه و تحلیل‌های چند گروهی، از آزمون تعقیبی LSD استفاده گردید. نتیجه این آزمون نشان داد که بیشترین تفاوت میانگین‌ها را می توان در پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین و بالا مشاهده کرد.

جدول (۹): آزمون LSD مشارکت شهروندان به تفکیک پایگاه اقتصادی-اجتماعی

سطح اطمینان ۹۵٪	سطح معنی داری		خطای معیار	اختلاف میانگین (I-J)	
	پایین ترین سطح	بالا ترین سطح			
۱/۵۷۰۱	-۵/۲۵۶۵	۰/۲۸۹	۱/۷۳۸۱۶	-۱/۸۴۳۲	متوسط
-۳/۳۱۲۳	-۱۳/۰۴۳۲	۰/۰۰۱	۲/۴۷۷۶۴	-۸/۱۷۷۷	پایین بالا
۵/۲۵۶۵	-۱/۵۷۰۱	۰/۲۸۹	۱/۷۳۸۱۶	۱/۵۴۳۲	متوسط
-۱/۲۶۳۷	-۱۱/۴۰۵۴	۰/۰۱۴	۲/۵۸۲۲۴	-۶/۳۳۴۵	پایین بالا
۱۳/۰۴۳۲	۳/۳۱۲۳	۰/۰۰۱	۲/۴۷۷۶۴	۸/۱۷۷۷	پایین
۱۱/۴۰۵۴	۱/۲۶۳۷	۰/۰۱۴	۲/۵۸۲۲۴	۶/۳۳۴۵	بالا متوسط

نتیجه گیری و بحث

مردمان اهل مشارکت با مشارکت خود این پیام را می دهند که نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت نیستند، بلکه حساس هستند و مسئولیت خود را در کنش های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پذیرفته اند؛ بدین سان مهم ترین اثر مشارکت، زنده بودن جامعه و برخوردار بودن از حیات است، زیرا نشانه حیات، آگاهی و جنبش است و مشارکت که تجلی حساسیت جامعه نسبت به سرنوشت خود است، حاکی از نشان دادن واکنش های مناسب به کنش های محیطی است. مشارکت، هم نشانه زنده بودن و بیداری جامعه است، هم زنده و بیدار بودن جامعه را تقویت کرده، استمرار می بخشد. از یک سو، هر چه سطح مشارکت در جامعه افزایش یابد، کنش اجتماعی، سازمان یافته تر می شود و از سوی دیگر، هر چه کنش اجتماعی سازمان یافته تر و نظام مندتر باشد، سطح بالاتری از مشارکت را ایجاد می کند. براساس نظریه پارسونز هرگاه در موقعیت های اجتماعی، کنش های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش های افراد، اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران، جامعه و مشارکت به حد اعلا می رسد.

نتایج این تحقیق، هم اعتبار نظریه های مورد بررسی و هم یافته های تحقیقات پیشین را مورد تأیید قرار می دهد. یافته های این تحقیق نشان داد که هر چه پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر باشد، میزان مشارکت نیز افزایش می یابد. هانتینگتون و نلسون هم معتقدند که هر چه افراد به پایگاه اجتماعی بالاتری تعلق داشته باشند از مشارکت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. یافته های این تحقیق نیز نشان داد که بین پایگاه اجتماعی افراد و مشارکت آنان تفاوت معنی داری وجود دارد. این یافته با یافته های سلحشور و علی پور مطابقت دارد. دانیل لرنر، مشارکت را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در توسعه و تجدد به حساب می آورد و معتقد است پتانسیل توسعه در جامعه ای به وجود خواهد آمد که مشارکت اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی در حد نسبتاً بالایی در آن جامعه فراهم شده باشد. لیست بر همبستگی بین گسترش سواد، رسانه های گروهی و پیدایش نهادهای مشارکتی دموکراتیک نظر دارد. از دیدگاه هابرماس در جامعه نوین از طریق کنش ارتباطی است که انسان ها از سلطه رهایی می یابند و جهان خویش را به گونه ای عقلانی-ارتباطی و دموکراتیک می سازند. کنش ارتباطی نیز در یک فضا و حوزه عمومی شکل می گیرد. وجود حوزه عمومی و گفتگوی آزاد و فارغ از سلطه از ضروریات کنش مشارکتی است. اگر فرد خود را جزئی از جامعه نداند و احساس کند که کنش او در ساختن جامعه بیهوده است و احساس بی قدرتی و ناتوانی نسبت به مسائل، مشکلات و امور مختلف به وی دست دهد، هرگز در فعالیت های گروهی شرکت نخواهد کرد. بطور کلی با توجه به نظریه های مورد استفاده، یافته های مورد بررسی و روابط بدست آمده از متغیرهای بررسی شده، تعمیم پذیری این یافته ها تأیید می شود.

پیشنهادها

با توجه به پایین بودن میزان مشارکت شهروندان شهر تبریز و از آنجایی که تحقق توسعه پایدار در گروهی مشارکت اجتماعی شهروندان است، پیشنهاد های زیر برای افزایش مشارکت ارائه می گردد:

- ✓ برای تحقق مشارکت مردم ، مجموعه نظام حکومتی باید مشارکت پذیر باشد .
- ✓ انجمن های داوطلبانه ، مهمترین عرصه شکل گیری و سازماندهی فعالیت های مشارکتی در جامعه محسوب می گردند.
- ✓ از آنجایی که مشارکت به معنی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است ، لازم است نهادهای مشارکتی و مدنی جدید در قالب NGO شکل گرفته تا شهروندان بتوانند به طور داوطلبانه در این نهادها مشارکت داشته باشند.
- ✓ حق انتخاب، آزادی اندیشه و خردورزی در جامعه نهادینه شده و افراد بتوانند آزادانه در جامعه مشارکت داشته باشند.
- ✓ حوزه خصوصی از حوزه عمومی تفکیک شده تا شهروندان بتوانند در تعیین سرنوشت خود مشارکت فعال داشته باشند .

منابع

۱. آزادارمکی، ت و غفاری، غ. (۱۳۸۶). جامعه شناسی نسلی در ایران، مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲. آزادارمکی، ت. (۱۳۷۹). نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سروش.
۳. ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سیداحمد. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکیل های تولیدی (مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه)، مجله جامعه شناس ایران، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۴۹-۷۲.
۴. آلموند، ج و بی جی پاول، (۱۳۸۰)، مشارکت و حضور سیاسی شهروندان، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۴، تهران.
۵. برغمندی، ه و عبدالهی، ع (۱۳۹۸) تحلیل فازی مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی ، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دوازدهم / شماره اول / زمستان ۱۳۹۸
۶. روشن، س. (۱۳۸۶)، بررسی جامعه شناختی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان تهران در فعالیت شهرداری و تأثیر آن بر اداره شهر ، تهران ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۷. سعیدی، م. (۱۳۸۲) در آمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی، تهران: انتشارات سمت
۸. سلحشور، ح. (۱۳۸۵)، بررسی جامعه شناختی میزان مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۳۹ شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد ،تهران ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۹. علی پور، پ و زاهدی، م و شیانی، م. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)، مجله جامعه شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲.
۱۰. غفاری گیلانده ، ع و هاشمی معصوم آباد ، ر (۱۳۹۸) ارزیابی میزان حس تعلق محله ای با افزایش مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه محله ای (مطالعه موردی: محله پیرمادر، اردبیل) ، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال یازدهم / شماره دوم / بهار ۱۳۹۸
۱۱. غفاری، غ.، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران: چاپ اول.
۱۲. غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶) ، جامعه شناسی مشارکت، تهران: انتشارات نزدیک.
۱۳. کازنو، ژ. (۱۳۷۰). جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
۱۴. کائوتری، هونین و دیگران (۱۳۷۹) ، مشارکت در توسعه، مترجم: هادی غبرایی و دیگران، تهران: انتشارات روش.
۱۵. میلر، د. (۱۳۸۴)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۱۶. هانتینگتون، س. (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
۱۷. هولاب، ر. (۱۳۷۸). نقد در حوزه عمومی، ترجمه: حسین بشریه، تهران: نشر نی.
۱۸. یزدانپناه، ل. (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۹. یزدانپناه، ل (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده علوم اجتماعی.

1. Oakley, Peter et al (1999), Projects whit People, the practice participation in rural development, Geneva: ILO.
2. Putman, Robert. (2000). Bowling alone, the collapse and revival of American community Rockefeller, center.
3. Webster. (1981), Webster's Third New International dictionary.